

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل

پیااده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مآخذ	ویرایش دوم	تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی

نکاتی در حاشیه‌ی مبعث پیامبر اکرم ﷺ

بیست‌وهفتم ماه رجب با حادثه‌ی بسیار عظیم بی‌نظیر تاریخ آفرینش، یعنی مبعث خاتم انبیاء ﷺ، محمد مصطفی ﷺ مصادف است.^۱ نکاتی راجع به مبعث خدمتتان عرض کنم.

زمان نزول دفعی و تدریجی وحی

اولاً در اینکه آغاز نزول وحی چه‌زمانی بوده است؛ بین شیعه و اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد. اهل سنت به‌اعتبار آیاتی از قرآن کریم که نزول قرآن را در لیلۃ‌القدر می‌داند و لیلۃ‌القدر را هم در ماه مبارک رمضان معرفی کرده است: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ»^۲؛ غالباً آغاز نزول قرآن را ماه مبارک رمضان می‌دانند؛ اما شیعه به‌اعتبار فرموده‌ی اهل بیت ﷺ و به اتکای سخن

^۱ سیدبن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۲، ص ۶۷۰ و حرّعاملی، وسائل‌الشیعة، ج ۸، ص ۱۱۰ و مجلسی، بحار، ج ۱۸، ص ۱۸۹.

^۲ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۵.

معصوم عليه السلام، بیست و هفت ماه رجب را آغاز نزول وحی می‌داند.^۳ این ماجرا چگونه حل می‌شود؟ متأسفانه من دیده‌ام بعضاً بعضی از نویسندگان متأخر شیعی هم در کتاب‌هایی که در مورد تاریخ رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم نوشته‌اند، آغاز نزول وحی را ماه رمضان اعلام کرده‌اند.^۴ همین امروز یکی، دو کتاب را برای بحث امروز جلسه نگاه می‌کردم؛ دیدم متأسفانه دقت نکرده‌اند و یا بی‌اعتنایی کرده‌اند. هنگامی که معصوم عليه السلام می‌فرمایند بیست و هفت رجب، آغاز نزول وحی بود؛ باز هم جا دارد در مقابل قول متواتر معصومین عليهم السلام اظهار فضل کنیم و بگوییم نه‌خیر، ماه رمضان بوده است؟! منتها این مسأله چه‌طور حل می‌شود؛ که یک‌جا قرآن می‌فرماید: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ»^۵؛ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»^۶ یا «حَمْدٌ وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ؛ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ»^۷؟ اینها با بیست و هفت رجب بودن مبعث رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم چگونه جمع می‌شود؟ یکی از نکته‌هایی که می‌خواهم راجع به مبعث بگویم، این است.

^۳. مجلسی، بحار، ج ۱۸، ص ۲۹۴ و ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۱۸، ص ۲۰۴.

«قب، المناقب لابن شهر آشوب ابن عَبَّاسٍ وَ أَنَسٌ: أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ السَّابِعِ وَ الْعَشْرِينَ مِنْ رَجَبٍ وَ لَهُ أَرْبَعُونَ سَنَةً»

^۴.

^۵. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۵.

^۶. سوره‌ی قدر، آیه‌ی ۱.

^۷. سوره‌ی دخان، آیات ۱-۳.

لیلة القدر که در ماه مبارک رمضان است؛ یا به تعبیر سوره‌ی دخان، لیله‌ی مبارکه، لیله‌ای است که کلّ قرآن به صورت اجمال از لوح محفوظ به بیت المعمور و به تعبیری به قلب مقدّس رسول-گرامی اسلام ﷺ نازل شد.^۸ کلّ قرآن؛ نه چندتا آیه از قرآن؛ همه‌ی قرآن به صورت اجمال بر قلب مبارک پیغمبر اکرم ﷺ نازل شد. به تعبیر خود قرآن، «تَزَلُّ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ؛ عَلَى قَلْبِكَ»^۹. در این آیه «به» یعنی به کلّ قرآن؛ همین طور در «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ»، «هُ» یعنی کلّ قرآن. یا در سوره‌ی دخان که خیلی صریح‌تر است: «م؛ وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ؛ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ» کتاب مبین را در لیله‌ی مبارکه نازل کردیم. پس یکبار نزول کلّ قرآن به صورت دفعی و به شکل اجمال بر قلب مقدّس پیغمبر اکرم ﷺ و یا به تعبیر روایات از لوح محفوظ به بیت المعمور است. این نزول دفعی قرآن به شکل اجمال است؛ امّا قرآن کریم نزول تدریجی‌یی هم به شکل تفصیلی، آیه‌آیه و جدا جدا شده دارد. قرآن با تعبیر تنزیل، در برابر نزول، به این واقعیت هم فراوان اشاره کرده است^{۱۰}. "نزول"

^۸ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۶۲۸ و مجلسی، بحار، ج ۹۴، ص ۲۵ و عروسی‌حویزی، نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۶۶.

«حَفْصُ بْنُ غِيَاثٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَائِلًا قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ وَ إِنَّمَا أُنزِلَ فِي عِشْرِينَ سَنَةً بَيْنَ أَوَّلِهِ وَ آخِرِهِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَائِلًا نَزَلَ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً فِي شَهْرِ رَمَضَانَ إِلَى الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ثُمَّ نَزَلَ فِي طُولِ عِشْرِينَ سَنَةً ثُمَّ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ نَزَلَتْ صُحُفُ إِبْرَاهِيمَ فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ أَنْزَلْتُ الثُّورَةَ لَيْسَتْ مَضِيئَةً مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ أَنْزَلَ الْأَجْمَلُ لَيْلَاتٍ عَشْرَةَ لَيْلَةً خَلَّتْ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ أَنْزَلَ الرَّبُّورُ لَيْلَتَيْنِ عَشَرَ خَلَوْنَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ أَنْزَلَ الْقُرْآنُ فِي ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ.»

^۹ سوره‌ی شعراء، آیه‌های ۱۹۳ و ۱۹۴.

^{۱۰} سوره‌ی یس، آیه‌ی ۵: «تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ» و سوره‌ی سجده، آیه‌ی ۲: «تَنْزِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۱ و سوره‌های جاثیه و احقاف، آیه‌ی ۲: «تَنْزِيلَ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» و سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۲: «تَنْزِيلَ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ» و سوره‌ی فصلت، آیه‌ی ۲: «تَنْزِيلُ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و سوره‌ی فصلت، آیه‌ی ۴۲: «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلُ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» و سوره‌ی واقعه، آیه‌ی ۸۰ و سوره‌ی حاقه، آیه‌ی ۴۳: «تَنْزِيلُ مِنَ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۱۰۶: «وَ قُرْآنًا فَرَقْنَاهُ

دفعی است: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ» و «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ». این نزول است؛ اما "تنزیل" نزول تدریجی طی بیست و سه سال است. «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا»^{۱۱} همان نزول تدریجی است. «هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَى عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ»^{۱۲} خدا کسی است که آیات آشکار را «يُنَزِّلُ عَلَى عَبْدِهِ» بر بنده می‌خوردش، رسول گرامی اسلام ﷺ، تنزیل می‌کند. اینجا آیه است. آنجا «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» است؛ «كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ» است و آیه آیه نیست؛ اما اینجا آیه آیه است: «هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَى عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ». یا فرمود: «كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ» این کتابی است که آیات آن دارای استحکام فوق العاده‌ای است. «ثُمَّ فُصِّلَتْ» (پس از مرتبه‌ی «أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ» یک مرحله‌ی دیگر را هم نقل می‌کند: «ثُمَّ فُصِّلَتْ») سپس این آیات تفصیل داده شد و از هم باز گردید؛ «مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ»^{۱۳} از جانب خدای حکیم خبیر. پس دو نوع فرود آمدن قرآن داریم: یکی فرود آمدن دفعی در لیلۃ القدر، در ماه مبارک رمضان، به قلب مبارک رسول الله ﷺ و دیگری نزول تدریجی طی بیست و سه سال از بعثت رسول الله ﷺ تا رحلت ایشان به صورت آیه به آیه و جزء به جزء؛ لذا در قرآن آیاتی داریم که به این تنزیل اشاره می‌کند. «وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ»^{۱۴} وقتی آیات به پیغمبر ﷺ

لِنُقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَىٰ مُكْتَبٍ وَنُنَزِّلُهَا تَنْزِيلًا» و سوره‌ی طه، آیه‌ی ۴: «تَنْزِيلًا مِمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَىٰ» و سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۲۵: «وَيَوْمَ تَشْقَى السَّاءَ بِالْغَمِّ وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا» و سوره‌ی انسان، آیه‌ی ۲۳: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا».

۱۱. سوره‌ی انسان، آیه‌ی ۲۳.

۱۲. سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۹.

۱۳. سوره‌ی هود، آیه‌ی ۱.

۱۴. سوره‌ی طه، آیه‌ی ۱۱۴.

نازل می‌شد، ایشان آیات را با زبان تکرار می‌کردند. خدای متعال می‌فرماید: عجله نکن؛ که قبل از اینکه آیات تمام شود، بخواهی آنها را به زبان بیاوری و برای خودت تکرار کنی. عجله نکن! بگذار آیات یکی یکی به‌طور کامل بر تو نازل شود. یا «لَا تُحْرِكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ»^{۱۵} ای پیغمبر! زبان خودت را حرکت نده که در به زبان آوردن آیات هنگام وحی، عجله کنی (ببینید اینجا جایی است که آیه به‌شکل لفظ درآمده است؛ که زبان پیغمبر ﷺ حرکت می‌کند). عجله نکن؛ صبر کن آیات به‌طور کامل نازل شود؛ سپس به زبان جاری کن. با این اوصاف آغاز نزول تدریجی در بیست‌وهفتم ماه رجب است؛ اما آغاز و اتمام نزول دفعی در یک شب است و آن لیلۃ‌القدر، در ماه مبارک رمضان است.

اندیشیدن پیرامون ارزش و اهمیت مبعث رسول الله ﷺ

نکته‌ی دومی که راجع به مبعث عرض کنم، اندیشه درمورد ارزش و اهمیت این نعمت و عطیه‌ی بزرگ الهی است. فکر کنیم این چه نعمت عظیمی است! کاری ندارد. شما به جامعه‌ی قبل از بعثت در جهان نگاه بیندازید؛ کفر، جاهلیت، فساد، فحشا، رذالت، درنده‌خویی، ظلم و بیداد بین بشر حاکم است و چیزی که بشر را از وحشی‌گری و زندگی حیوانی نجات داد و راه او را به‌سوی بلندترین قله‌های تعالی گشود، بعثت رسول الله ﷺ بود؛ یعنی اگر انسان به کاری که بعثت کرد، توجه کند؛ ارزش این نعمت و عطیه‌ی بزرگ الهی بر او مکشوف می‌شود و هنگامی - که ارزش را شناخت؛ در مقام قدردانی، سپاس، تشکر و شکر برمی‌آید.

^{۱۵}. سوره‌ی قیامة، آیه‌ی ۱۶.

اگر بعثت رسول الله ﷺ و نزول قرآن کریم نبود، بسیاری از ابواب کمالات باطنی و عرفانی برای همیشه‌ی تاریخ به روی بشر مسدود بود. قرآن کریم که محصول کشف تامّ محمدی ﷺ است، ابوابی از معرفت‌الله را به‌سوی خلق گشود که تا زمان بعثت رسول الله ﷺ و نزول قرآن، به روی بشر، حتی به روی انبیاء و اولیای بزرگ خدا ﷺ و حتی به روی پیامبران اولوالعزم الهی ﷺ بسته بود. درهایی را گشود که پیش از آن به‌طور مطلق به روی بشر مسدود بود. اکنون این چه نعمت عظیمی است! و این نعمت عظیم چقدر جای سپاس و تشکر دارد!

گروه‌های متنوع مردم در برابر پیامبر ﷺ و قرآن

وقتی پیامبر ﷺ آمدند و قرآن نازل شد، مردم در برابر پیامبر ﷺ و قرآن به گروه‌های متنوعی تقسیم شدند. گروه اول: عده‌ای که به‌روی پیامبر ﷺ شمشیر کشیدند؛ با ایشان جنگیدند و دشمنی پیغمبر ﷺ را پیشه کردند. گروه دوم در برابر بعثت پیغمبر اکرم ﷺ: کسانی که به‌ظاهر ادعای ایمان کردند؛ اما در باطن دشمنی و کینه‌ی پیامبر ﷺ و اسلام را در دل داشتند؛ یعنی منافقین. گروه سوم: کسانی که در دل ایمانی آوردند؛ اما ایمان ضعیفی و در صحنه‌ی عمل، اهل عمل به دستورات رسول الله ﷺ نبودند. گروه چهارم: کسانی که عمل کردند؛ اما در صحنه‌ی اخلاق و روحيات، راه رسول الله ﷺ را طی نکردند؛ خلیقات پیامبر ﷺ را نداشتند و روحيات ایشان را کسب نکردند. گروه پنجم: کسانی که در مسیر تزکیه‌ی اخلاقی هم قدم برداشتند؛ اما اهل وادی معرفت شهودی نبودند و در مسیر سیر و

سلوک گام ننهاندند و گروه ششم: کسانی که به این وادی هم گام گذاشتند؛ یعنی کسانی که علاوه بر ایمان، عمل به احکام الله و تخلّق به اخلاق پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در وادی سیروسلوک گام نهادند؛ اهل معرفت شهودی حضرت حق شدند و در مسیر لقاء و وصال الهی قدم برداشتند.

اکنون ببینیم در برابر پدیده‌ی بعثت، ما جزء کدامیک از این گروه‌ها هستیم؟ به تعبیر دیگر بهره‌ی ما از بعثت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چه بوده است؟ بله؛ مبعث حادثه‌ی بسیار بزرگ و واقعه‌ی بسیار میمون و مبارکی است؛ اما من چه بهره‌ای بردم؟ استفاده‌هایی که من از بعثت رسول-الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برده‌ام چه بوده است؟ کجای راهم؟ این هم یک نکته؛ که واقعاً بیندیشیم؛ تنها جشن گرفتن، چراغانی کردن، شیرینی دادن و تبریک گفتن به همدیگر کافی نیست. نمی‌گوییم آنها خوب یا لازم نیست. نه؛ هم خوب و هم لازم است؛ اما همه‌چیز آنها نیست. موضوع اصلی این است که بیندیشیم چه بهره‌ای از مبعث برده‌ایم؛ جزء کدامیک از آن شش دسته‌ایم و در مبعث تا کجا با رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همراهیم.

رسیدن به حقیقت باطنی مبعث

نکته‌ی دیگر راجع به مبعث؛ (خیلی بریده و کوتاه عرض می‌کنم.) در بحث "نقد بودن وعده‌های الهی" از کتاب "مصباح‌الهدی"، خاطره‌ای را از مرحوم حاج‌آقای دولابی رحمته‌الله نقل کردم. ماجرا این بود که حاج‌آقا فرموده بودند: ما به مشهد مشرف شدیم؛ سپس برای دیدار از آیت‌الله میلانی رحمته‌الله رفتیم. آنجا گفتگو‌هایی شد که اکنون آنها را نمی‌گوییم؛ چون قبلاً توضیح داده‌ام. آیت‌الله-میلانی رحمته‌الله پرسیدند: حاج‌اسماعیل! شما تا چه زمانی در مشهد هستید و مشرفید؟ گفتیم: بلیط

داریم؛ قرار است مثلاً امشب حرکت کنیم؛ یا امروز عصر حرکت می‌کنیم. ایشان فرمودند: امشب که شب مبعث است. فردا را هم بمانید؛ که مبعث را هم در مشهد باشید؛ بعد بروید. ای کاش می‌ماندید و نمی‌رفتید! آیت‌الله العظمی میلانی رحمته‌الله انسان اهل معنا، اهل سلوک و اهل باطنی بودند؛ علاوه بر اینکه مرجع تقلید و فقیه عظیم‌القدری هم بودند. حاج آقا رحمته‌الله فرمودند: من برای آیت‌الله میلانی رحمته‌الله آیه‌ی از قرآن خواندم و ایشان فهمیدند چه می‌گویم. گفتم: «هذا یَوْمُ الْبُعْثِ وَ لَکِنَّکُمْ کُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^{۱۶} معنای آیه این است که همین امروز مبعث است؛ و لکن شما خبر ندارید و نمی‌دانید. آیت‌الله میلانی رحمته‌الله انسان اهل معرفتی هستند؛ فهمیدند چه به ایشان می‌گویم. با همان لهجه‌ی ترکیشان گفتند: اوه اوه اوه اوه! (خلاصه:) چه گفتمی به من!

در جنبه‌ی آفاقی، در جهان بیرون و در عالم کثرت، طبیعت و زمان، روز معینی روز مبعث؛ یک روز غدیر، یک روز عاشورا، یک روز روز ظهور، یک روز رجعت و یک روز هم روز قیامت است. اینها برای جنبه‌ی آفاقی یا جهان بیرون است؛ اما قبلاً برای عزیزان گفته‌ایم که جهان درون ما نسخه‌ای مطابق با جهان بیرون است. هرچه در عالم بیرون وجود دارد؛ در عالم درون هم وجود دارد؛ منتهی در عالم درون، زمان وجود ندارد؛ یعنی در جنبه‌ی انفسی هم مبعث، غدیر، عاشورا، ظهور، رجعت و قیامت انفسی داریم؛ منتهی آنها منوط به زمان نیستند؛ هر زمان در سیر باطنی خود به آن حال رسیدی، همان لحظه برای شما مبعث، غدیر، عاشورا، لیلۃ‌القدر، ظهور حجّت خدا، رجعت و قیامت است. در سیر باطنی این‌گونه است؛ لذا «کُلُّ یَوْمٍ عَاشُورَا»؛ «کُلُّ

^{۱۶}. سوره‌ی روم، آیه‌ی ۵۶.

يَوْمِ مَبْعَثٍ؛ «كُلُّ يَوْمٍ يَوْمٌ غَدِيرِ حُمٍّ»؛ «كُلُّ يَوْمٍ يَوْمٌ ظُهُورِ حَجَّتِ خِدا»، «كُلُّ يَوْمٍ يَوْمٌ الرَّجْعَةِ»، «كُلُّ يَوْمٍ يَوْمٌ الْقِيَامَةِ» و «كُلُّ لَيْلَةٍ لَيْلَةُ الْقُدْرِ». اگر در سیر باطنی خود به آن نقطه برسی، همه‌ی اینها نقد است و امیدواریم به آن برسیم.

حادثه‌ی زمانی جهان بیرون، حادثه‌ی بسیار بزرگ و مبارکی است؛ همه‌ی ما هم خوشحالیم که سالگرد مبعث پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ می‌رسد و غرق شادی و شغف هستیم؛ اما ان شاء الله دنبال آن باشیم که مبعث باطنی را هم درک کنیم. حقیقت بعثت در باطنمان اتفاق بیفتد؛ به غدیر باطنی و خلافت ولی الله در باطنمان هم دست پیدا کنیم؛ حقیقت عاشورا را در باطن خودمان بیابیم؛ به ظهور حجّت خدا و رجعت اهل بیت علیهم السلام در باطن خود نایل شویم و نهایتاً قیامت انفسی و باطنی ما برپا شود. آن هنگام همه‌ی روزهای ما مبعث، غدیر، عاشورا، ظهور و رجعت است و دائماً در قیامت به سر می‌بریم.

امیدواریم عیدی‌یی که خدای متعال به برکت بعثت پیامبر بزرگوار ﷺ به دوستان اهل- بیت علیهم السلام، خصوصاً عزیزانی که در خدمتشان هستیم و به این کوچک‌ترین جمع شما عنایت می‌کند، رسیدن به حقیقت باطنی مبعث باشد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ